

بحران اسلام

جنگ مقدس، ترور نامقدس

بخش اول

نویسنده

پ. نارد لویز

مترجم

دکتر کیومرث یزدان پناه درو

بخش دوم

نویسنده

دکتر کیومرث یزدان پناه درو

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

(دکترای جغرافیای سیاسی)





سرشناسه	لوئیس، برنارد، ۱۹۱۶-م. Lewis, Bernard
عنوان و نام پدیدآور	بحران اسلام: جنگ مقدس، ترور نامقدس، بخش اول/نویسنده برنارد لوئیز؛ مترجم کیومرث یزدان‌پناه درو. بخش دوم/نویسنده کیومرث یزدان‌پناه درو.
مشخصات نشر	تهران: دانش‌نگار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۳۲۸ ص.: مصور، نقشه، نمودار.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۰۸-۰۶۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: The crisis of Islam: holy war and unholy terror, 2004
یادداشت	بخش دوم کتاب حاضر تحت همین عنوان نوشته کیومرث یزدان‌پناه درو است.
یادداشت	کتابنامه: ص. [۳۱۵]-۳۲۰.
موضوع	اسلام و سیاست
موضوع	تروریسم--جنبه‌های مذهبی--اسلام
موضوع	جنگ--جنبه‌های مذهبی--اسلام
موضوع	بنیادگرایی اسلامی
موضوع	اسلام و سیاست--ایران
موضوع	جغرافیای سیاسی--کشورهای اسلامی
شناسه افزوده	یزدان‌پناه درو، کیومرث، ۱۳۵۰-، مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۳۱۴ ب۳ ۹۳۱/ل BP۲۳۱
رده‌بندی دیویی	۲۱۷/۴۸۳۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	۱۸.۹۳۱۱

فرهیخته گرامی:

کپی کردن و یا تهیه فایل‌های pdf، ترجمه و یا سمت از کتاب تزییع آشکار حقوق مادی و معنوی ناشر و مولف است و انگیزه تالیف، ترجمه و یا سمت از کتاب‌های جدید را در کشور از بین می‌برد. خواهشمند است در زمان خرید کتاب، از اصل بودن آن اطمینان حاصل نمایید.

www.daneshnegar.com



بحران اسلام: جنگ مقدس، ترور نامقدس

تألیف بخش اول: برنارد لوئیز

تألیف و ترجمه بخش دوم: دکتر کیومرث یزدان‌پناه درو

ویراستار: فاطمه رشوند

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۳۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: فرنگارنگ

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۸-۰۶۲-۱



9 786003 080621

تهران، انقلاب، خیابان منیری جاوید (آر دی بهشت)، نبش وحید نظری، شماره ۱۴۲ - تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴

این اثر مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا بخش یا عرضه کند تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه مترجم.....	۱۰
مقدمه نویسنده بخش اول کتاب: برنارد لوئیس.....	۱۲

بخش اول

فصل ۱ تعریف اسلام.....	۲۶
سازمان کنفرانس اسلامی.....	۳۳
زمان حال و یک برنامه جهت آینده.....	۴۰
فصل ۲ خانه جنگ.....	۴۷
فصل ۳ از جنگ‌های صلیبی تا امپریالیزم.....	۶۳
فصل ۴ کشف قاره آمریکا.....	۷۲
فصل ۵ شیطان و شوروی (سابق).....	۸۷
فصل ۶ معیارهای دواخانه.....	۱۰۳
فصل ۷ شکست مدرنیته.....	۱۱۱
فصل ۸ ازدواج (پیوند) قدرت سعودی و آموزه‌های وهابی.....	۱۱۷
فصل ۹ قیام و طلوع تروریسم.....	۱۲۹
تشکر و تقدیر [نویسنده: برنارد لوئیس].....	۱۵۰
سخن پایانی.....	۱۵۱

بخش دوم

فصل ۱۰ مقدمه..... ۱۵۶

تعاریف و خصوصیات فرقه‌ها..... ۱۵۷

انواع فرقه..... ۱۵۹

چه کسانی به فرقه‌ها می‌پیوندند؟..... ۱۶۰

چرا افراد به فرقه‌ها می‌پیوندند؟..... ۱۶۰

افراد خود به جست‌وجوی فرقه نمی‌روند..... ۱۶۱

تفاوت ها با گروه‌های معمولی..... ۱۶۲

تاریخ مختصر فرقه‌ها..... ۱۶۲

نمونه‌های تاریخ سرخ..... ۱۶۳

سه مرحله شایر..... ۱۶۶

تولید یک هویت جدید..... ۱۶۷

فرقه‌ها چه عیبی دارند؟..... ۱۶۸

فرقه‌ها چه تفاوتی با سایر گروه‌های انضاطی دارند؟..... ۱۶۹

چه باید کرد؟..... ۱۷۰

فرقه‌ها چه کسانی را عضوگیری می‌کنند؟..... ۱۷۱

فرقه‌ها کجا به عضوگیری می‌پردازند؟..... ۱۷۲

اولین تماس فرقه..... ۱۷۳

روش‌های مجاب‌سازی جسمی..... ۱۷۶

روش‌های مجاب‌سازی روانی..... ۱۷۷

فصل ۱۱ ترور و تروریسم..... ۱۸۳

لغت ترور در فرهنگ علوم سیاسی..... ۱۸۴

ترور در ادبیات عرب و اندیشمندان عربی..... ۱۸۷

ترور در زبان فارسی و اندیشمندان فارسی..... ۱۸۸

ترور و تروریسم از دیدگاه اسلام..... ۱۹۰

فصل ۱۲ مبانی نظری ترور و خشونت..... ۱۹۵

ریشه فکری تکفیری‌ها..... ۱۹۵

ترور و تروریسم از دیدگاه امام خمینی (ره)..... ۱۹۷

۲۰۲	انواع تروریسم
۲۰۴	برآورد تحلیلی
۲۰۷	فصل ۱۳ پاکستان و ریشه‌های خشونت
۲۰۷	پاکستان و ریشه‌های خشونت
۲۰۸	افراط‌گرایی و خشونت در پاکستان
۲۰۹	الف) آشفته‌گی‌های سیاسی
۲۰۹	ب) نابهنجاری‌های اقتصادی
۲۱۰	پ) گسست‌های اجتماعی
۲۱۰	ت) چالش‌های فرهنگی و آموزشی
۲۱۰	ث) بحران افغانستان
۲۱۱	ج) موضوع کشمیر
۲۱۱	چ) نقش عربستان سعودی
۲۱۱	ح) نقش غرب
۲۱۲	دست‌آورد تحلیلی
۲۱۲	تأثیر گروه‌های بنیادگرای اسلامی بر ژئوپلیتیک ایران
۲۱۴	بنیادگرایی چیست؟
۲۱۶	مفهوم بنیادگرایی اسلامی
۲۱۷	علل پیدایش بنیادگرایی اسلامی
۲۲۰	سلفی‌ها و تکفیری‌ها چه کسانی هستند؟
۲۲۲	ریشه‌های تاریخی تضاد بنیادگرایان اسلامی با ایران
۲۲۴	تاریخچه تشکیل گروه‌های تکفیری داعش
۲۲۶	شخصیت‌شناسی سرکرده گروه داعش
۲۲۷	دلایل برپایی خلافت توسط داعش (بیانه و منشور ابوبکر البغدادی)
۲۲۹	سازماندهی و ترکیب ساختار گروه داعش
۲۲۹	الف) ترکیب
۲۳۱	ب) استعداد انسانی و تجهیزاتی
۲۳۲	فرصت‌های مقطعی تهدیدات تروریستی برای رقاب منطقه‌ای ایران
۲۳۴	تهدیدات ژئوپلیتیکی گروه‌های تکفیری و سلفی برای جمهوری اسلامی ایران
۲۳۴	درس‌های ژئوپلیتیکی اقدامات داعش برای جمهوری اسلامی ایران

نقش آفرینی و جایگاه ژنوپلیتیک ایران در مهار داعش	۲۳۶
دستاورد تحلیلی	۲۳۸

بخش سوم

فصل ۱۴ اسلام و چالش مبانی حکومت: خلافت اسلامی	۲۴۴
انحراف فکری در احیای خلافت	۲۴۵
حکومت الهی یا حکومت اسلامی؟	۲۴۶
خلافت، شریعت، جمهوری	۲۴۸
نماد جمهوری اسلامی در بلاد اسلامی	۲۴۸
اندیشه اتحاد اسلامی	۲۵۰
جایگاه تاریخی ایران	۲۵۱
بیداری اسلامی و خیزش عرب	۲۵۶
فرزند روشنگری اسلامی	۲۵۸

بخش چهارم

فصل ۱۵ خاورمیانه مرکز بحران	۲۶۲
خاورمیانه مرکز بحران	۲۶۲
منادی خلافت اسلامی با توجه عمل گرایی حش	۲۶۶
خلافت در گذرگاه قرن بیستم	۲۶۷
امتناع تاریخی بازگشت به دوران خلافت	۲۷۱
نوسلفی گرایی	۲۷۲
بازگشت به مرحله خاص تاریخ	۲۷۲
تفسیر قرآن منطبق بر فهم عصر نخستین	۲۷۳
نظریه پردازی در باب دارالاسلام و دارالکفر	۲۷۳
جهاد ابزار تحقق خلافت	۲۷۴
آزادسازی بغداد به جای آزادسازی قدس	۲۷۷
جریان شناسی گروه های سلفی و تکفیری	۲۷۹
نگرش غرب به افراط گرایی فرقه ای و تفکرات افراطی	۲۸۶
تعریف بنیادگرایی	۲۸۶

۲۸۷	بنیادگرایی اسلامی
۲۸۸	تاریخچه بنیادگرایی اسلامی
۲۸۸	بنیادگرایی در بین جنبش‌های اهل سنت
۲۸۹	بنیادگرایی در دوران معاصر
۲۹۲	بنیادگرایی در جنبش‌های شیعه
۲۹۴	دلایل خارجی و داخلی مؤثر بر بنیادگرایی
۲۹۴	۱. نظریات ذات‌محور اسلام‌گرایی
۲۹۵	۲. نظریات واکنش‌محور اسلام‌گرایی
۲۹۶	شاخه‌های متدین بنیادگرایی اسلامی
۲۹۷	اسلام‌گرایی سنتی
۲۹۷	اصلاح‌طلبی سلفی
۲۹۸	نویینادگرایی
۳۰۰	دیدگاه غرب نسبت به بنیادگرایی اسلامی
۳۰۱	نیات و اهداف غرب از گروه‌های افراطی در جهان اسلام
۳۰۲	رویارویی اسلام و غرب
۳۰۴	زمینه‌های تاریخی
۳۰۴	مسائل جمعیتی
۳۰۵	سلطه‌گرایی غرب
۳۰۶	بیداری اسلامی و احیای هویت مسلمانان
۳۰۷	گسترش خشونت به نام اسلام
۳۰۷	نتایج نگرش منفی به اسلام از سوی غرب در جهان

نقشه‌ها و تصاویر

۲۴۱	پیوست ۱: وضعیت گروه داعش در یک نگاه
۲۴۲	پیوست ۱: نقشه قلمرو مد نظر گروه داعش (دولت بزرگ اسلامی)

یادداشت‌ها (پیوست) قسمت اول کتاب (بخش ترجمه‌ای)

۳۱۱	معرفی
۳۱۱	قسمت دوم
۳۱۱	قسمت سوم

۳۱۲.....	قسمت چهارم.....
۳۱۲.....	قسمت پنجم.....
۳۱۲.....	قسمت ششم.....
۳۱۳.....	قسمت هفتم.....

منابع

۳۱۵.....	منابع و مأخذ.....
۳۱۹.....	پایگاه ی اینترنتی.....

www.ketab.ir

پیشگفتار

کتابی که پیش روی شماست، از دو بخش تشکیل شده است.

بخش نخست دربرگیرنده ترجمه متن و تحلیل مباحث کتاب *بحران اسلام: جنگ مقدس و ترور نامقدس* به قلم آقای برنارد لوئیس است که در سال ۲۰۰۳ در لندن به چاپ رسیده است. بخش دوم با توجه به کلیات مباحثی که نویسنده براساس برداشت‌ها، ذهنیت و به‌خصوص نگرش غربی خود به مسائل عمده جهان اسلام داشته است، ابهاماتی را به بهانه موضوعات تروریستی و خشونت متوجه دین اسلام کرده است. با در نظر گرفتن این مسئله که دین مقدس اسلام و جغرافیای سیاسی تحت تسلط اسلام ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را دارد، لازم دانستم برای تکمیل مباحث، بخش دوم هم بنا بر بضاعت علمی و نگرش ژئوپلیتیکی‌ام به این کتاب اضافه کنم که البته دو دلیل در تریبم این روند نقش کلیدی داشتند:

دلیل نخست اینکه مطالب کتاب اصلی رمانتی را در بر گرفته است که صرف تکیه بر این کلیات، ذهن مخاطب را با تردیدها و شبهه‌های جدی مواجه می‌کند. از طرفی کتاب فوق مسائل و حوادث را تا سال ۲۰۰۳ در بر می‌گیرد و این در حالی است که جهان معاصر در یازده سال اخیر (۲۰۰۳ تا پایان ۲۰۱۴) حوادث و مصائب بی‌شماری را تجربه کرده که جهان اسلام کانون اصلی این حوادث و تحولات تلخ و غم‌بار بوده است و اتفاقاً، این زیادی از وضعیت حاکم نتیجه سیاست‌های غرب است. این موضوع مرا ترغیب کرد تا با مراجعه به منابع متعدد تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و دینی مباحثی را براساس اولویت‌های پژوهشی و نیازهای مخاطبان و از همه مهم‌تر صیانت از حریم دین مقدس اسلام به این کتاب در باب تحولات جدید اضافه کنم.

دلیل دوم اینکه برخی جریان‌های تاریخی افراطی در جهان اسلام و جهان غیراسلام و از همه مهم‌تر نقش استعمار نوین در خلق این حوادث و عزم بهره‌جویانه آنان را به گونه نقد و ارزیابی و تحلیل بسپارم تا روشن شود که جهان معاصر به چه دلیل و بنابر چه اهدافی گرفتار پیچیدگی‌های امنیتی و در هم تنیدگی بسیاری از مسائل آن با مباحث دینی، مذهبی و فرقه‌ای شده است؟ اهداف بازیگران مؤثر غیراسلامی بر چه اهرم‌هایی استوار است؟ غفلت‌های موجود در جهان اسلام ناشی از کدام عوامل است؟ و خشونت لجام‌گسیخته و افراطی حاکم بر بخش وسیعی از جهان فعلی نتیجه چیست؟

مقدمه مترجم

خردادماه سال ۱۳۹۲ در پی فرصت اندکی که در فرودگاه دبی در اختیارم بود، از فروشگاه کتابی که در ضلع شرقی سالن بزرگ شماره ۳ آن قرار داشت دیدن کردم. در جست و جوی کتاب‌هایی با موضوعات ژئوپلیتیک، جغرافیای سیاسی، روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی و... بودم که عنوان این کتاب توجهم را به خود جلب کرد. با توجه به عنوان کتاب که با ظرافت خاص و معناداری انتخاب شده بود و نیز با مراجعه به فهرست مندرجات آن، دقایقی را به موضوعات درون کتاب اختصاص دادم. بخش‌های از کتاب مربوط به کشور عزیزمان ایران بود و نیز در آن به پدیده انقلاب اسلامی، هر چند طایف معمول و براساس عادت و خلق و خوی نویسندگان غربی، کمی مغرضانه، اشاره شده بود. نویسنده در بخش‌هایی ناچار شده است به عظمت تاریخی و اثرات انقلاب اسلامی در ایران اعتراف کند.

کتاب را خریدم و به تهران آوردم. ترجمه آن را جدی نگرفتم. وقتی مقدمه آن را به دقت خواندم، به‌رغم افراطی که نویسنده نسبت به برخی موضوعات داشت، تصمیم گرفتم با کمک یکی از دوستان خوبم به نام علی آقامیر کتاب را به سه رساله خلاصه و همراه با تجزیه و تحلیل ترجمه کنم.

برگرداندن کتاب به زبان فارسی شش ماه طول کشید. سه ماه از آن را رزنام‌سازی متن و ارجاع برخی توضیحات به پاورقی وقت گرفت. متن انگلیسی کتاب به گونه‌ای بود که هنگام ترجمه به فارسی، ابهاماتی ایجاد می‌کرد. بنابراین، کار تنظیم و تدوین کتاب وقت بیشتری می‌طلبد و به این دلیل تا مرحله انتشار با توجه به تشریفات خاص اداری که برای چاپ کتاب در ایران حاکم است، این انتظار را ناخواسته باید افزایش می‌داد.

این کتاب به مسائل و مشکلات روز جوامع مسلمان و کشورهای اسلامی می‌پردازد و سعی دارد با تمرکز بر مهم‌ترین ضعف‌های سیستمی حاکم بر گستره جغرافیای سیاسی جهان اسلام و منطقه خاورمیانه، یعنی افراط‌گرایی و ترویج ایدئولوژی‌ها و قرائت‌های خطرناک از دین مبین اسلام و در نتیجه توسعه خشونت افسارگسیخته تروریستی و تولد فرزندان ناخلف و مجهول‌الهویه

افراط‌گرا و تروریست بپردازد، اما نه از سر خیرخواهی و ارائه راه‌حل‌های سازنده؛ بلکه از سر تحقیر و تضعیف مسلمانان و در نهایت دست‌یابی به نتایج دلخواه خود و جهان غرب که صدا البته حاکمان جاهل و نادان برخی کشورهای عربی در خلق این پدیده‌های شوم و ضد ارزشی در جهان اسلام همپای غربی‌ها بوده و هستند.

بنابراین، با در نظر گرفتن این وضعیت غم‌بار در جهان اسلام و تمایل نویسندگان غربی به توجه منفعت‌طلبانه به این مباحث و با توجه به حوادث پیچیده و عجیب و غریبی که هر ساله در جغرافیای سیاسی جهان اسلام اتفاق می‌افتد، به نظر می‌رسد باید به روح این گونه مطالب و نیت پشت پرده آنان در کشورهای اسلامی از جمله در ایران توجه مسئولانه‌ای کرد و به تمام مسائل جاری این حوزه جغرافیایی حساس بود و کتاب‌ها و مقالاتی که پیرامون مسائل این مناطق نوشته می‌شود را موشکافانه بررسی کرد. بنابراین، سرانظر از همه کاستی‌های نگارشی و تحلیلی و معایبی که ممکن است در کتاب مشاهده شود، اثر پیش رو می‌تواند منبع خوبی برای پژوهشگران، منتقدان، اساتید و دانشجویان ایرانی در خصوص سائز مشکلات جاری در حوزه جهان اسلام، به ویژه موضوع افراط‌گرایی و تروریسم و تأثیرات عسبی آن بر امنیت کشورهای اسلامی از جمله جمهوری اسلامی ایران در میان مدت و درازمدت و خاستگاه ژئوپولیکم آنان در نظام جهانی باشد.

البته ناگفته نماند نویسنده در بخش‌هایی از کتاب به عمق انقلاب اسلامی ایران اشاره‌های جالب توجه‌ای دارد که در مجموع آن را انقلابی موفق و بسیار تأثیرگذار می‌داند. به طور مثال در صفحات ۲۳ تا ۲۵ به آثار شگفت‌انگیز انقلاب اسلامی در ایران پرداخته است که این مسئله، بیانگر عظمت این انقلاب و آثار بلندمدت آن در ملت‌های آزادی‌خواه است.

از همین سطرهای آغازین، بابت کاستی‌های احتمالی کتاب از همه مخاطبان این مجموعه پوزش می‌طلبم. در پایان مقدمه از همکاری دانشجوی زحمتکش خود، جناب آقای ایوب جوکار، که در گردآوری بخش‌های منابع و موضوعات بخش دوم کتاب اینجانب را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

کیومرث یزدان‌پناه درو

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مقدمه برنارد لوئیس

[جورج دبلیو] بوش، رئیس‌جمهور [وقت] امریکا، و دیگر سیاستمداران این کشور سعی داشتند این نکته را روشن کنند که جنگ و درگیری‌های دو دهه اخیر امریکا در بخش‌های خاصی از خاورمیانه و کشور افغانستان و دخالت نظامی در پاکستان [۱۹۹۳-۲۰۱۴]، جنگ علیه تروریسم و افراطیگری در جهان با اولویت در حوزه جغرافیایی مسلمانان بوده است نه علیه اعراب یا عمومی‌تر اینکه علیه مسلمانان، یعنی کسانی که اصرار دارند برای مبارزه با دشمن مشترکمان به ما بپیوندند، باید این هدف امریکا و هم‌پیمانان آنان را درک می‌کردند.^۱

پیام اسامه بن لادن، هدف این مطلب است. برای اسامه بن لادن و پیروانش، این جنگ یک مبارزه مذهبی و مقدس علیه کفر است [جنگ مقدس]. بنابراین، به‌طور قطع هدف اصلی آن‌ها ایالات متحده امریکا است نه بزرگ‌ترین قدرت در جهان کفر محسوب می‌شود. بن لادن در اعلامیه‌هایش اشارات فراوانی به تاریخ اسلام، یکی از غم‌انگیزترین نمونه‌های آن، سخنانی از اوست که در یک نوار ویدئویی در هفتم اکتبر ۲۰۱۱ درباره تحقیر و رسوایی‌ای که اسلام بیش از ۸۰ سال از آن رنج برده است، بخش شد. این نوار ویدئویی سبب شد ناظران امریکایی و اروپایی که در صحنه خاورمیانه هستند، پژوهشی نگران‌کننده را بر روی این که ۸۰ سال پیش اتفاق افتاده بود آغاز کنند و با پاسخ‌های مختلفی روبه‌رو شوند. می‌توانیم بررسی‌های مطمئن‌باشیم که شنندگان مسلمان یعنی مردم مورد خطاب وی [بن لادن] اهمیت سخنانش را دریافته و بررسی و تحلیل آن

۱. قبل از ورود به بحث اصلی این کتاب، لازم است این نکته مهم را همین جا یادآوری کنم که اقدامات امریکا و هم‌پیمانان غربی آن نه تنها منجر به کاهش، حذف و نابودی افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه نشده، بلکه به جرئت می‌توان گفت که هم‌اکنون بخشی از خاورمیانه و مناطق اسلامی به بهشت گروه‌های تروریستی و افراطی تبدیل شده است. در این خصوص در بخش پایانی کتاب به‌طور مفصل به این مطلب خواهم پرداخت.

۲. این شخص که از خاندان متمول بن لادن در عربستان بود، با حمایت غربی‌ها به‌ویژه در کوران اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ شوروی در نواحی قبایل‌نشین مناطق شمالی پاکستان تحت گروه‌های مبارز پارتیزانی وارد صحنه نبرد افغانستان شد. خاندان بن لادن بعد از ظهور طالبان و فروپاشی شوروی و تغییر آرایش قدرت جهانی به رهبری امریکا، به خطرناک‌ترین گروه تروریستی جهان با عنوان «القاعده» تبدیل شدند و جهان را با پیچیده‌ترین شیوه‌های تروریستی مواجه کردند. سرانجام اسامه بن لادن در سال ۲۰۱۲ طی عملیاتی سری در منطقه سوات پاکستان توسط ارتش امریکا به هلاکت رسید و جسدش به دریا انداخته شد.

پرداختند.^۱

در سال ۱۹۱۸ حکومت عثمانی، آخرین امپراتوری قوی مسلمانان، شکست خورد و پایتخت آن، قسطنطنیه اشغال شد و پادشاه آن به اسارت درآمد و بخش اعظم قلمروی پادشاهی عثمانی بین انگلیسی‌های پیروز و امپراتوری فرانسه تقسیم شد. استان‌های عرب‌زبان عثمانی از سرزمین حاصل‌خیز هلالی‌شکل [عثمانی و ترکیه] به سه بخش جدید با اسامی و مرزهای جدید تقسیم شدند و براساس قرارداد سایکس‌پیکو^۲ دو بخش آن که عراق و فلسطین بودند تحت قیمومیت انگلستان درآمدند و سوم آن که سوریه بود به فرانسه تعلق گرفت. بعدها فرانسه کشورهای تحت قیمومیت خود را به دو بخش تقسیم کرد که لبنان و سوریه نام گرفتند.

انگلیسی‌ها همان کار را با بخش تقسیم جزئی‌ترین دو بستر رود اردن انجام دادند. کرانه شرقی^۳ به‌اختصار اردن نامیده شد و کرانه غربی آن فلسطین نام گرفت. شبه‌جزیره عربستان عمدتاً شامل کوه‌ها و بیابان‌های لم‌یزرع و غیرقابل استیلاست. آن زمان تصور می‌شد که این قسمت‌ها ارزش به دست آوردن ندارد، در نتیجه به حاکمان آن اجازه داده بودند که استقلالی مشروط و محدود داشته باشند.

ترک‌ها در نهایت موفق شدند به رهبری یک ژنرال عثمانی، نام مصطفی کمال که به کمال آتاتورک معروف بود، وطن خود را آزاد سازند و در آن نه‌تنها به یک جنبش ملی‌گرایی سکولار راه‌اندازی کنند. کمال آتاتورک که موجب آزادی موفقیت‌آمیز ترکیه از تسلط غربی‌ها شده بود، اولین قدم‌ها را به سوی رهایی از تسلط غرب برداشت. او می‌خواست با این وسیله ترکیه را وارد دنیای مدرنیته کند. یکی از اقدامات اولیه او ابطال و کنار زدن حکومتی سلطنتی در نوامبر

۱. نوار ویدئویی اسامه بن‌لادن در آستانه ششمین سالگرد حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منتشر شده است. بن‌لادن براساس متن نوار که شبکه «ای‌بی‌سی» به آن دست یافته است، می‌گوید: «این یکی از اشتباهات بزرگ شما بود که از کسانی که این جنگ را راه انداختند نه حساب خواستید نه مجازاتشان کردید».

۲. موافقت‌نامه سایکس‌پیکو توافق سری میان بریتانیای کبیر و فرانسه بود که در مه ۱۹۱۶ در خلال جنگ جهانی اول و با رضایت روسیه برای تقسیم امپراتوری عثمانی منعقد شد. این توافق‌نامه به تقسیم سوریه، عراق، لبنان و فلسطین میان فرانسه و بریتانیا منجر شد. این مناطق قبل از آن تحت کنترل ترک‌های عثمانی بودند. این توافق‌نامه نامش را از سر مارک سایکس بریتانیایی و فرانسوا ژرژ پیکوی فرانسوی گرفته است.

۳. به معنای سرزمینی در جنوب رود اردن.

۱۹۲۲ بود. حاکم عثمانی نه تنها یک سلطان بلکه خلیفه همه مسلمانان سنی بود و نیز آخرین کسی بود که به سلسله حاکمان پس از رحلت پیامبر، حضرت محمد (ص)، در سال ۶۳۲ م برمی گشت. بنابراین، انتخاب یک جانشین برای او نه تنها امری معنوی بلکه به عنوان سرپرستی سیاسی و مذهبی جامعه مسلمانان بود. پس از تجربه ای کوتاه با داشتن یک خلیفه جداگانه، ترک ها در مارس ۱۹۲۴، عنوان خلیفه را نیز حذف کردند. در قرن سیزدهم خلافت اسلامی دچار دگرگونی شده بود و این دگرگونی که به وسیله امپریالیست های خارجی و مدرنیست های [تجددگرایان] داخلی انجام شده بود در سراسر جهان اسلام احساس می شد.

برخی رژیم های سلطنتی مسلمان و رهبران شان برای برداشتن عنوان بلاتصدی در ساختار حکومتی، تلاش های انجام دادند اما از هیچ یک از آن ها کمک خاصی دریافت نکردند. بسیاری از مسلمانان هنوز دردمند به مترجمان خلافت هستند و گفته می شود که اسامه بن لادن خودش آرزوی خلافت داشته و امروزه متوالین نسل سوم آنان داعیه خلافت اسلامی در جهان اسلام را دارند [داعش].

لغت Caliph از لغت عربی خلیفه گرفته شده است که با یک ابهام مفید ترکیبی از معانی جانشین و نماینده را ارائه می دهد. اصولاً سرپرستی جامعه اسلامی با «خلیفه پیامبر خدا» است و حتی عده ای که جاه طلب تر هستند، این مقام را به اختصاص «نبی خدا» نامیده اند. عنوان خلیفه خداوند برای یک قدرت معنوی سبب به وجود آمدن بحث سلسله های داعی شد و در نهایت به جای این عنوان ادعایی، عنوان «سایه خدا روی زمین» که شائبه کمتری داشت مطرح شد. در تاریخ به جای خلیفه بیشتر از اصطلاح «امیر المؤمنین» که ظاهر متواضعانه تری داشت استفاده کردند که به معنای دستوردهنده به مؤمنان بود.

وجود برخی مسائل خاص که مانند اشارات و گریزهای تاریخی بوده است، مثل اسامه بن لادن که به نظر می رسید برای بسیاری از امریکایی ها وجود چنین تفکرات و دیدگاه هایی پنهان باشد، بین مسلمانان مشترک و قابل لمس است و می توانند به درستی در حدود محتوای دیدگاه های هویتی خاورمیانه و علیه سابقه تاریخ خاورمیانه فهمیده شود. برای غربی هایی که سعی دارند خاورمیانه معاصر را درک کنند مفاهیم تاریخی و هویتی باید دوباره تعریف شود. چون در امریکا

برای رد یک مسئله بی‌اهمیت معمولاً از عبارات تاریخی متداول استفاده می‌کنند. در آمریکا با وجود سرمایه‌گذاری کلان در آموزش و نگارش آثار تاریخی، دانش عمومی تاریخی مردم بسیار پایین است.

مردم مسلمان مانند باقی مردم جهان، به وسیله تاریخ خود شکل گرفته‌اند اما برخلاف دیگران، آن‌ها به‌طور زیرکانه‌ای متوجه این تاریخ هستند. هرچند هوشیاری مسلمانان پس از ظهور اسلام در تاریخ اسلام دیده می‌شود اما لازم است به چند نمونه از آن در قرآن و سنت اشاره شود. تاریخ اسلام برای مسلمانان اهمیت مذهبی و قانونی دارد چون این تاریخ بازتاب اهداف خداوند برای جامعه خداجست، یعنی برای کسانی که تعالیم اسلامی را می‌پذیرند و از قوانین آن پیروی می‌کنند. تاریخ دولت‌ها و ملت‌ها غیرمسلمان چنین پیامی را نمی‌رساند و بنابراین، بدون ارزش و اهمیت است. حتی در کشورهای تمدن‌کهن دارند مثل کشورهای خاورمیانه، آگاهی از تاریخ کافران، از اجدادشان و بناهای تاریخی و کتبه‌هایی که در اطرافشان قرار دارد کم است. زبان‌ها و خطوط باستان‌فراموش و سوابق تاریخی، بدون تمدن تاریخی که به وسیله باستان‌شناسان و فیلسوفان غربی در عصر جدید دوباره بازسازی، احیا و رمزگشایی شد اما ملت مسلمان پس از ظهور اسلامی ادبیات تاریخی غنی و گوناگونی تولید کردند. در بسیاری از مناطق، حتی در کشورهایی با تمدن کهن مثل هندوستان، با ورود اسلام نگارش‌های جدی تاریخی آغاز شد. اما تاریخ چه چیزی؟ در دنیای غرب واحد اساسی سازمان بشری، ملت‌ها هستند که در استفاده آمریکایی و نه اروپایی در حقیقت معادل این کلمه [ملت] کشور است. پس ملت به شیوه‌های گوناگون به اجزائی تقسیم می‌شود که یکی از آن‌ها مذهب است. هرچند مسلمانان تمایل دارند ملتی را ببینند که به گروه‌های مذهبی تقسیم شده است اما تمایل دارند که یک مذهب از راه‌های گوناگون به‌صورت جزء به جزء تقسیم شود. بی‌شک بیشتر دولت‌ها و ملت‌ها که خاورمیانه جدید را به وجود آورده‌اند مخلوقات هستند که از دوره تسلط انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بعد از شکست امپراتوری عثمانی به وجود آمده‌اند و در واقع آن‌ها از حد و مرزهای رؤسای سلطنتی قبلی خود محافظت می‌کنند. حتی اسامی آن‌ها ایجاد حد و مرز روستاهای جدیدشان را نشان می‌دهد. به عنوان مثال عراق یک ایالت

مرکزی بود که جمهوری‌های مدرن آن زمان به استثنای بین‌النهرین در شمال و تکه‌ای از غرب ایران با آن هم‌مرز بودند. سوریه، فلسطین و لیبی اسامی‌ای از روزگاران قدیم هستند که برای هزاران سال در منطقه استفاده نشده بودند و این اسامی به‌وسیلهٔ امپریالیست‌های اروپایی در قرن ۲۰ بر آن‌ها تحمیل شد. الجزایر و تونس، حتی به عنوان یا لغت در عربی وجود نداشتند. این نام‌ها برای شهرها و کشورها استفاده شدند. جالب‌تر اینکه هیچ لغتی در زبان عربی برای عربستان وجود ندارد و تا کنون در عربستان سعودی به عنوان «پادشاهی عرب سعود» یا «شبه‌جزیرهٔ اعراب» با توجه به نوع متن و مسوول صحبت شده است. عنوان این مطلب بیانگر این نیست که عربی، زبان ضعیفی است بلکه به عکس آن یعنی بدافروزی است، علت این است که اعراب به آسانی دربارهٔ اصطلاحات هویتی، قومی و منطقه‌ای فکر می‌کردند. از خلیفه «عمر» نقل شده است که هنگام صحبت با اعراب، می‌گفت: «نسب خود را بگیرد و مانند روستاییان محلی نباشد که وقتی از آن‌ها سؤال می‌شود چه کسی هستند پاسخ می‌دهد: "من از چنین و چنان مکانی هستم"». در قرون اخیر نماد هویتی مسلمانان در بیشتر جوامع اسلامی تا یک دولت خاص تحت یک حاکم موروثی است. حتی بعد از آنکه این جامعه به دولت‌های زیادی شش‌شده، بر بهترین و تنهاترین سیاست اسلامی پافشاری می‌شد.

دولت‌ها با تغییر مرزها روبه‌رو بودند و مهم اینکه در تاریخ ریزی غنی اسلامی در عربستان، ایران و ترکیه تاریخ برخی شهرها، دولت‌ها و جوامع اسلامی وجود دارد. اما هیچ تاریخی از ایران اسلامی و ترکیهٔ اسلامی به‌تنهایی در دست نیست.^۱ این اسامی برخلاف سوریه و فلسطین یا عراق نه تنها نهادهای جدید را مشخص می‌کند بلکه نهادهای سیاسی قدیمی را با قرن‌ها حاکمیت مستقل نشان می‌دهد.

تا عصر جدید این اسامی حتی در عربی، فارسی و ترکی وجود نداشت. نام ترکیه کشوری را معرفی می‌کند که از مردمی با نژاد «ترک» تشکیل شده است و به زبان ترکی صحبت می‌کنند. به

۱. البته نویسنده کتاب برای این استدلال خود به هیچ منبع قابل استنادی اشاره نکرده و ادعای نام‌برده برای چنین

نظر می‌رسد به منظور ایجاد انطباق با الگوی هویتی کشورهای عادی اروپایی با اسم‌های قومی باشد. اما نام ترکیه در اروپا که از زمان قرون وسطا رایج بود، در خود ترکیه تا بعد از اعلامیه جمهوری در سال ۱۹۲۳ استفاده و اتخاذ نشده بود. Persia یک اقتباس اروپایی و دراصل یونانی از اسم «پارس» است که بعدها «فارس» نامیده شد که نام استانی در مرکز ایران است.

بعد از فتح اعراب، از آنجا که الفبای عربی فاقد حرف «پ» است، لغت پارس به نام فارس شناخته شد. همان گونه که گویش اهل کاستیل، اسپانیایی و گویش ایالت توسکانی ایتالیایی شده است. «فارسی» لاجه فارس‌هاست که به عنوان زبان رسمی کشور درآمده است اما در استفاده‌های فارسی نام آن اسان [یعنی فاس] هیچ وقت به طور کلی، برای کشور استعمال نشده بود.

اعراب و ترک‌ها از ابتدای باخت و تاز علیه اروپای مسیحی از حمله اعراب در قرن ۸ گرفته تا آخرین عقب‌نشینی ترک‌ها در قرن ۱۰، یک توصیف ادبی وسیع در مبارزه خود علیه اروپای مسیحی ایجاد کردند. اما تا امروز که ما هستیم و متولات اروپایی در دنیا رایج شده‌اند، سربازان اسلامی، صاحب‌منصبان و تاریخ‌نویسان همیشه به رة ای خود نه در یک اصطلاح منطقه‌ای یا ملی بلکه به اختصار به عنوان «کافران» یا گاهی با اصطلاح عمومی و معلوم مثل «فرانک‌ها» یا «رومی‌ها» اشاره می‌کردند. مثلاً آن‌ها هرگز به جانب خودشان به عنوان عرب یا ایرانی یا ترکی اشاره نمی‌کردند. آن‌ها خودشان را «مسلمان» معرفی می‌کردند.

این چشم‌انداز کمک می‌کند آنچه در میان دیگران است [مثل] نگرانی پاکستان در خصوص طالبان و نمایندگانشان در افغانستان آسان‌تر شرح داده شود. نام پاکستان که یک اسکار در قرن بیستم است، کشوری را به جهان معرفی می‌کند که کاملاً به وسیله دین اسلام و طرفداران خود تعریف می‌شود. از بعد دیگر، کشور و مردم پاکستان همان گونه که برای هزار سال قسمتی از هندوستان بودند یا افغانستان که خودش را با هویت اسلامی‌اش تعریف می‌کند به طور طبیعی یک متحد حتی یک «قمر» از پاکستان است. افغانستان که با جاهلیت قومی خود تعریف شده است، می‌تواند همسایه‌ای خطرناک که در حال پیشرفت مطالبات بازخواهی مناطق پشتون‌زبان شمال پاکستان و شاید حتی پیوستن به هندوستان باشد. اشارات اخیر، حتی نسبت به تاریخ باستان،

جایگاهی مشترک در مباحث عمومی دارد.

به عنوان مثال در سال ۱۹۸۰ طی جنگ ایران و عراق هر دو طرف جنگ، تبلیغات گسترده‌ای برپا کردند که مکرر حوادث و شخصیت‌هایی را فرامی‌خواندند که حتی به قرن هفتم و به جنگ‌هایی مثل قادسیه (۶۷۳ م) و کربلا (۶۸۰ م) برمی‌گشت. در جنگ قادسیه مهاجمان عرب مسلمان به نیروهای در حال دفاع شاه ایران حمله کردند و پیروز شدند و چون تا آن زمان ایرانیان مسلمانان نشده بودند در چشم اعراب هنوز کافر و بی‌دین بودند. بنابراین، هر دو طرف [ایران و عراق] ترس از ادعا کنند که پیروزی را به دست آوردند.

برای صدام حسین پیروزی اعراب علیه ایرانیان و برای [حضرت] آیت‌الله خمینی^{۱۵} پیروزی مسلمانان بر کافران نقش مهمی و حیثیتی داشت. ارجاعات به این جنگ‌ها به صورت توضیحات جزء به جزء و کامل برای پاسخ‌گوئی دقیق نبود بلکه به صورت سریع، کمک برای گریز از حالت شکست کامل بود که البته این نبود. لایه‌ای و تبلیغاتی به نفع ایران تمام شد. جالب اینکه هر دو طرف با استفاده از این ارجاعات سر به آبی در پی ایجاد فهم و دانشی بودند که توسط طرفدارانشان در هر دو طرف اخذ و استفاده شود. فهم این مطلب برای حامیان و تغذیه کنندگان تبلیغات گسترده در غرب که هدف و مسیرشان با ارجاعات تاریخی به دوره حکومت‌های هفتگانه آنگلساکسون در انگلستان و سلطنت کارولین گیال در فرانسه^{۱۶} انجام می‌گیرد، سخت و دشوار است.

اسامه بن لادن با به کارگیری روش خاص خود که شبیه رقص روح بود، بوش، رئیس‌جمهور وقت امریکا، توهین و او را با به فرعون زمان تشبیه می‌کند و جانشینان وی را مثل دیگ‌چنی و کالین پاول، وزیر دفاع وقت امریکا، که در ویرانی‌های گسترده عراق بین سال‌های جنگ خلیج [فارس] در ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ و از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۲ نقش اساسی داشتند، متهم به هرج و مرج و ناامن‌سازی خاورمیانه می‌کند. زیرا باور بن لادن این بود که امریکایی‌ها (این ویرانی را به صورتی انجام دادند که خان‌های مغول در نیمه قرن ۱۳ بغداد را فتح کردند و خلافت عباسی را از بین بردند). درک اهالی خاورمیانه از تاریخ به وسیله منابری که در مدارس قرار دارد و نیز به وسیله

رسانه‌ها تقویت می‌شود و به‌رغم اینکه ممکن است [این تاریخ] تحریف‌شده و غیردقیق باشد و درحقیقت بیشتر نیز این چنین است، هنوز هم روشن و پرآوازه است.

در ۲۳ فوریه ۱۹۹۸، روزنامه عربی القدس العربی که در لندن منتشر شد متن کامل بیانیه «جبهه جهان اسلام برای جهاد علیه یهودیان و جنگجویان صلیبی» را چاپ کرد. این مقاله برای روزنامه یادشده از طریق نمابر ارسال شده بود که با امضای اسامه بن لادن و رهبران گروه جهادی در مصر، پاکستان و بنگلادش همراه بود. بخش مهم این سخن فصیح که در بعضی جاها شبیه نثر شعرگونه عربی است، نسخی از تاریخ را که بیشتر غربی‌ها با آن نامأنوس بودند آشکار می‌سازد. اعتراضات بن لادن (همان‌طور که می‌دانیم) پیش از این سند آغاز شده و مشخص نیست که چه اندازه از این شکایات و اعتراضات آوازه‌دار می‌رود. این بیانیه با یک مقدمه آغاز می‌شود و متون جنگ طلبانه بیشتری را از قرآن و اقوام و سادات پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند و سپس ادامه می‌دهد: «از آنجا که خدا شبه جزیره عربستان را فدا کرد است، بیانش را آفریده و اطراف آن را با دریاها احاطه کرده است و هیچ فاجعه‌ای تا کنون برای آن مانند جنگجویان صلیبی که در این سرزمین مانند ملخ پخش شدند و خاک آن را به‌زور اشغال کردند و از میوه‌هایش خوردند و گیاهان آن را تخریب کردند اتفاق نیفتاده است و این مورد زمانی بود که ملت، علیه مسلمانان مانند کسانی که شام می‌خورند و اطراف کاسه غذا به همدیگر تنه می‌زنند به رقابت برخاسته به دند.»

از همین جا این بیانیه به صحبت در مورد نیاز، درک این وضعیت، اقدام برای خاتمه این وضعیت اشاره دارد. همان‌طور که در این بیانیه آمده حقایق برای همه شناخته شده است و تحت سه عنوان اصلی قرار می‌گیرد. اول اینکه ایالات متحده آمریکا بیش از هفت سال است که سرزمین‌های اسلامی را به اشغال درآورده است و این کار را در مقدس‌ترین قلمروی آن یعنی عربستان انجام می‌دهد و ثروت آن‌ها را غارت می‌کند و بر حاکمانشان سخت می‌گیرد و مردمشان را تحقیر و همسایگانش را تهدید می‌کند و از پایگاه‌های خود در شبه جزیره عربستان به‌عنوان نوک نیزه برای مبارزه علیه همسایگان مسلمانان استفاده می‌کند. به‌رغم عده‌ای که در گذشته حقیقت این اشغال را انکار کرده‌اند و به نزاع با مخالفان پرداخته‌اند، اکنون مردم عربستان این تمامیت ارضی را به

رسمیت می‌شناسند. یکی از بهترین شواهد در این زمینه، تجاوز آمریکایی‌ها علیه مردم عراق است که برخلاف میل باطنی حکام عربستان است، همان‌هایی که به‌رغم تحت‌الحمایه بودنشان مخالف استفاده از سرزمینشان برای این کار بودند.

دوم اینکه آمریکایی‌ها با وجود حملاتی که جنگجویان صلیبی به عراق کرده و حدود یک میلیون نفر از مردم آنجا را به خاک و خون کشیده بودند، یک بار دیگر این قتل‌عام وحشتناک را تکرار کردند. به نظر می‌رسد جنگ و خون‌ریزی قبلی برایشان کافی نبوده است. آن‌ها دوباره برگشته‌اند تا آنچه را که از این مردم باقی مانده است تخریب و همسایه‌های مسلمانان را تحقیر کنند و سوم اینکه در این میان آمریکایی‌ها غیر از اهداف مذهبی و اقتصادی که در این هجوم داشتند می‌خواستند با رعب و ترس یهودیان خدمت‌رسانی کنند و توجه مردم از اشغال اورشلیم به وسیله یهودیان و کشتار مسلمانان در آنجا منحرف کنند.

غیر از اشتیاق آمریکایی‌ها دلیل دیگری برای تخریب عراق که قوی‌ترین دولت همسایه عرب است، وجود ندارد. در ضمن تلاش آن‌ها، الجزیره دولت‌های منطقه مثل عراق، عربستان سعودی، مصر و سودان است که تقسیم و ضعف آن‌ها زنده ماندن اسرائیل را بیمه و ادامه اشغال سرزمین‌های عربی توسط جنگجویان صلیبی خطرناک تر نشان می‌دهد. آمریکایی‌ها به وضوح اعلام می‌کنند که علیه خدا، پیامبر و مسلمانان به جنگ برخاسته‌اند. در این شرایط نظر جمعی علما در خلال قرن‌ها چنین بوده است که وقتی دشمن‌ها به سرزمین‌های اسلامی حمله می‌کنند جهاد وظیفه شخصی هر مسلمان است. آثار نویسندگان معتبر مسلمان و فتاوی آن‌ها این مطلب را روشن می‌کند که کشتن شهروندان و نظامیان آمریکایی و متحدانشان وظیفه شخصی هر مسلمان تواناست. تا زمانی که مسجدالاقصی در اورشلیم و مسجدالحرام در مکه از چنگ آن‌ها آزاد شود و بال‌های [قدرت] آن‌ها بشکند و از همه سرزمین‌های اسلامی خارج شوند و دیگر از تهدید مسلمانان دست بردارند.

پس از ذکر سه عنوان اصلی بیانیه و شاهد آوردن آیات بیشتر و مرتبط، ادامه می‌دهد: «با اجازه خدا، می‌توانیم به هر مسلمانی که به خدا معتقد است و امید دریافت پاداش اطاعت از دستورات

خدا دارد فتوا دهیم که امریکایی‌ها را بکشد و اموالشان را در هر جا که آن‌ها را یافت به غارت ببرد. همین طور ما می‌توانیم علما و رهبران مسلمان و جوانان و سربازان آن‌ها را دعوت کنیم که حملاتی علیه نیروهای شیطانی امریکا و متحدانشان که یاری کنندگان شیاطین محسوب می‌شوند آغاز کنند.» این اظهارات و فتاوی بیشتر از متون مقدس مسلمانان نقل می‌شود. جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، به نظر بیشتر غربی‌ها، به وسیله ایالات متحده امریکا و ائتلاف عرب و سایر متحدان به منظور آزادی کویت از اشغال عراق و حفظ عربستان سعودی در مقابل تهاجم احتمالی عراقی‌ها برپا شد.

اینکه جنگ خلیج فارس به عنوان تهاجم امریکا علیه عراق باشد ممکن است کمی عجیب به نظر برسد اما چنین دیدگاهی صورت گسترده در جهان اسلام قبول شده است. در حالی که احتمال حمله به عراق در ذی قعدة ام‌الحسن کمرنگ می‌شد، توجهات به جرمه‌ها و تحریم‌های شکننده علیه عراق تشدید و امریکایی‌ها و رسانه‌های انگلیسی که در آسمان پایگاه‌های عربستان گشت می‌زدند و مردم عراقی را رنج می‌دادند، این گونه اقدامات غربی‌ها با کمک عربستان به طور فزاینده‌ای درک تمایل امریکایی به نفع اسرائیل را نمایان می‌ساخت.^۱

سه منطقه عربستان، عراق و اورشلیم در این بیانیه به عنوان مناطقی که در آن ظلم می‌شود یاد شده‌اند. اطلاع از این مناطق برای کسانی که با تاریخ و ادبیات اسلامی آشنایند شگفت‌آور نیست. مسلمانان همان گونه که ما در غرب تمایل داریم فراموش شود، معتقدند که سرزمین‌های مقدس مکه، محل تولد پیامبر اسلام، و مدینه که اولین دولت مسلمان در آن تأسیس شده، است. کشوری که مردم آن اولین کسانی بودند که عقاید جدید را به کار انداختند^۲ و به جاهلان معیارهای آن تبدیل شدند. حضرت محمد (ص) در عربستان زندگی و نیز در آنجا رحلت کرد. همان گونه که خلفای بلافضل او این کار را کردند.

پس از یک دوره کوتاه در سوریه، مرکزیت جهان اسلام به مدت پانصد سال عراق و پایتخت

۱. به گونه‌ای که تا کنون نیز شاهد این مدل رفتاری در جهان عرب اسلامی و خوش خدمتی آنان به اسرائیل هستیم.

۲. یعنی عقیده جدید اسلام را پذیرفتند و بدان عمل کردند.

آن، بغداد، بود. برای مسلمانان هیچ نقطه‌ای که یکباره به قلمروی حاکمیت اسلام اضافه شد نمی‌تواند در نهایت انکار شود اما هیچ‌یک از آن‌ها قابل قیاس با عربستان و عراق نیستند و در این بین عربستان تا کنون مهم‌تر نیز بوده است. تاریخ‌نویسان عرب باستان گفته‌اند که در سال ۲۰ ق که مطابق ۶۴۱ م است [ص ۱۳ مقدمه] خلیفه وقت، عمر، فرمان داد یهودیان و مسیحیان باید از ممالک اسلامی غیر از حواشی جنوبی و شرقی عربستان خارج شوند. [او این دستور را برای] رضایت امر پیامبر اسلام^ص که در بستر مرگ فرموده بود: «اجازه ندهید دو دین در عربستان باشد»، صادر کرد. افراد مورد سؤال و اعتراض در این زمینه یهودیان منطقه خیبر در شمال و مسیحیان منطقه نجران در جنوب بود. آن‌ها را به تبعید کهن و ریشه‌داری با اعراب داشتند، به زبان عربی صحبت می‌کردند و تنها تفاوت آن‌ها در عقاید دینی^۱ بود. بسیاری از علمای اسلامی مستند بودن این روایت را تکذیب کرده‌اند اما ذکر آن بی‌تأثیر نبوده است. اخراج اقلیت‌های مذهبی در تاریخ اسلام بسیار کم است. به‌عکس در قرون وسطا اخراج یهودیان^۲ و بعد از پیروزی و فتح دوباره^۳ اخراج مسلمانان عادی و پی‌درپی بود. اقدام اروپایی‌ها قابل مقایسه با دستور خلیفه عمر نیست چون دستور عمر شامل قسمت‌های جنوبی و جنوب شرقی عربستان که جزء سرزمین مسلمانان نبود، نمی‌شد ولی یهودیان و مسلمانانی که از اسپانیا و سایر کشورهای اروپایی اخراج شدند بی‌پناه و سردرگم ماندند و به‌عکس یهودیان و مسیحیان در عربستان دوباره در سرزمین‌های آن که به آن‌ها واگذار شده بود اقامت گزیدند.^۴

یهودیان در سوریه و فلسطین و مسیحیان در عراق ساکن شدند. این فرایند به‌صورت تدریجی و نه ناگهانی ادامه یافته و به‌رغم دستور عمر، گزارش‌هایی مبنی بر حضور یهودیان در خیبر و مسیحیان در نجران وجود داشت. اخراج در موقع مناسب کامل شد و از آن موقع تا کنون سرزمین مقدس حجاز محلی است که برای حضور غیرمسلمانان ممنوع شده است. براساس مکتب حقوقی اسلام که به‌وسیله دولت سعودی پذیرفته شد و به نظر اسامه بن لادن و پیروانش برای غیرمسلمانان حتی قدم گذاشتن در آن خاک مقدس یک جرم بزرگ است. در باقی قلمروی پادشاهی عربستان،

۱. معلوم نیست منظور فتح دوباره کجاست؟

۲. درواقع آن‌ها با پرداخت جزیه در آنجا ساکن شدند.

حضور غیرمسلمانان که به عنوان بازدیدکنندگان موقت پذیرفته شد ولی به آن‌ها اجازه تأسیس اقامتگاه یا اجرای مناسک مذهبی‌شان داده نشد. بندر دریای سرخ^۱ برای مدت طولانی به عنوان نوعی مکان قرنتینه مذهبی به کار گرفته می‌شد که به دیپلمات‌های خارجی، کنسول‌ها و نمایندگان بازرگانی اجازه زندگی در جایی موقت و محدود داده می‌شد.

از دهه ۱۹۳۰، اکتشاف و بهره‌برداری از نفت و رشد نتیجه‌بخش ریاض، پایتخت عربستان سعودی، از یک آبادی واحه‌ای و جزئی به یک کلان‌شهر، تغییرات زیاد و نفوذ قابل ملاحظه‌ای را از خارجیان به ارمغان آورد که به طور قطع امریکایی بودند و بر هر جنبه‌ای از زندگی اعراب تأثیر گذاشتند. بسیاری موز حضور امریکایی‌ها در آنجا را نوعی هتک حرمت می‌دانند. عربستان برای مدتی کوتاه توسط جنگ جویان صیبی در قرن ۱۲م تهدید شد. بعد از شکست و بیرون راندن آن‌ها، تهدید دیگری از سوی [یکی دیگر از] کفار برای عربستان در قرن ۱۸ آغاز شد که با تثبیت و تقویت قدرت اروپایی در جنوب آسیا و ظهور اروپا همراه بود. به عبارت دیگر مسیحیان در سواحل عربی تغییراتی ایجاد کردند. نتیجه این تجاوز و هتک حرمت، احیای شاخه‌های افراطی-مذهبی در عربستان بود که به وسیله جنبش وهابیت با اندازی شد و به وسیله خاندان آل سعود که مؤسس دولت سعودی بودند، رهبری می‌شد.

طی مدت تأثیرگذاری انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها و سپس تسلط بر حاورمیان در قرون ۱۹ و ۲۰، قدرت‌های سلطنتی بر مصر، سودان، عراق، سوریه و فلسطین حکمرانی می‌کردند. آن‌ها تکه تکه حاشیه‌های عربستان را در عدن و خلیج فارس بلعیدند اما به اندازه کافی عاقل نبودند که هیچ نیروی نظامی نداشته باشند و حداقل درگیری سیاسی را در امور شبه جزیره داشته باشند. مادامی که این درگیری خارجی، انحصاراً اقتصادی بود و مادامی که بیشتر از مقدار لازم نیاز باشد تا اینکه هرگونه ظلمی را آرام کند، حضور بیگانگان می‌تواند تحمل شود. اما در سال‌های اخیر، شرایط اشتغال تغییر کرده است. دستمزدها با کاهش قیمت نفت و افزایش جمعیت و هزینه‌ها، دیگر کافی نیست. شکایات و اعتراضات، گسترده‌تر، خروشان‌تر و بیشتر شده‌اند. [دیگر] دخالت‌های غربی‌ها محدود

به فعالیت‌های اقتصادی نیست. انقلاب ایران، جاه‌طلبی‌های صدام حسین و اثرات ناشی از مشکلات و معضلات منطقه به‌خصوص کشمکش بین فلسطین و اسرائیل منجر به افزایش حضور سیاسی و نظامی بیگانگان شده و زمینه مناسبی را برای ظهور شعارهای امپریالیستی ایجاد کرده است که صدای آن به‌طور فزاینده‌ای شنیده می‌شود. زمانی که سرزمین مقدس مسلمانان اشغال می‌شود، بسیاری از مسلمانان تمایل خواهند داشت که مبارزه را تعریف و معین و گاهی دشمن را هم با اصطلاحات مذهبی تعریف کنند و ببینند که سربازان امریکایی به کویت آزاد فرستاده شده‌اند و عربستان سعودی را از دست صدام حسین به‌عنوان متجاوز و اشغالگر کافر حفظ کنند. این دیدگاه توسط برتری بی‌پایان و -رای امریکا در میان قدرت‌های کافر جهان بسط داده شده است.

برای بیشتر امریکایی‌ها اظهارات بن‌لادن یک تعبیر مسخره و یک تعریف سخیف نسبت به ماهیت هدف حضور امریکا در عربستان بود. آن‌ها باید هوشیار می‌بودند که برای بیشتر مخاطبان و شاید بیشتر مسلمانان، اظهارات بن‌لادن یک تعبیر مسخره و مضحک از ماهیت اسلام و حتی نظریات طرح‌شده درخصوص جهاد اسلامی است.

قرآن [مجید] درباره صلح همان‌گونه صحبت می‌کند که درباره جنگ صحبت می‌کند. صدها هزار سنت و احادیث متناسب به پیامبر اسلام با درجه اعتبار متفاوت که گاهی اوقات به شیوه‌های گوناگونی تفسیر می‌شوند گستره وسیعی از ارشادات و ره‌نمائی‌ها را ارائه می‌دهد که جنگ‌طلبی و تفسیر خشن از دین یکی از آن‌هاست. در این بین، بسیاری از مسلمانان -ضمناً این نوع تفسیر خشن از دین را تأیید کنند و عده کمی حاضرند به آن عمل کنند. تروریسم فقط به عده کمی احتیاج دارد. به‌طور واضح غرب از خود به‌وسیله هر آنچه که مؤثر است دفاع می‌کند اما در ساخت و ابداع وسایل مورد نیاز برای مبارزه با تروریست‌ها مطمئناً درک و شناخت نیروهایی که از آن‌ها استفاده می‌کنند، مفید و مؤثر است.^۱

۱. توضیح این که ارائه این دیدگاه در حوزه جغرافیای سیاسی غرب به‌ویژه اروپای غربی و امریکا بیانگر ظهور و رواج نوعی اسلام‌هراسی توسط صاحب‌نظران غربی است که هر اتفاق غیرمتعارف و هنجارشکن را در حوزه جغرافیای سیاسی جهان اسلام به اهرم فشاری برای حمله به این دین مقدس قرار می‌دهند و ما امروزه با عناوین اسلام و رنسانس دوم شاهد بی‌سابقه‌ترین حمله‌ها علیه دین اسلام به‌ویژه توسط غربی‌ها هستیم.